



اوژن پواتیه

سرود انترناسیونال بزبانهای مختلف



انگلیسی



آلمانی



فارسی



افغانی



آلبانی



اسپانیایی



ترکی



پرتغالی



ایتالیایی



کره ای



سوئدی



ژاپنی



روسی



یوگسلاوی



هندی



وینتنامی



نروژی



فرانسوی

|                        |                         |
|------------------------|-------------------------|
| دنیای فقر و بندگی      | برخیز ای داغ لعنت خورده |
| به جنگ مرگ و زندگی     | شوریده خاطر ما را برده  |
| کهنه جهان جور و بند    | باید از ریشه براندازیم  |
| هیچ بودگان هرچیز کردند | و آنکه نوین جهانی سازیم |
| آخرین رزم ما           | روز قطعی جدال است       |
| نژاد انسانها (2)       | انترناسیونال است        |

|                       |                        |
|-----------------------|------------------------|
| خدا، نه شه نه قهرمان  | برما نبخشند فتح و شادی |
| در بیکارهای بی امان   | با دست خود گیریم آزادی |
| نعمت خود آریم به کف   | تا ظلم از عالم برویم   |
| تا وقتیکه آهن گرم است | دمیم آتش را و بگوییم   |
| آخرین رزم ما          | روز قطعی جدال است      |
| نژاد انسانها (2)      | انترناسیونال است       |

|                       |                         |
|-----------------------|-------------------------|
| اردوی بیشمار کار      | تنها ما توده جهانییم    |
| نه که خونخواران غدار  | داریم حقوق جهانیاتی     |
| بر رهزنان و دژخیمان   | غرد وقتی رعد مرگ آور    |
| تابد خورشید نور افشان | در این عالم بر ما سراسر |
| آخرین رزم ما          | روز قطعی جدال است       |
| نژاد انسانها (2)      | انترناسیونال است        |

ماه نوامبر سال پیش، ۱۹۱۲، بیست و پنجمین سال درگذشت کارگر شاعر فرانسوی، اوژن پوتیه، سراینده سرود برخیزید، ای فلکز دگان! برخیزید، ای در بند گرسنگی اسیران!...) بود [\*] معروف پرولتری انترناسیونال

هر کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود. این سرود امروزه به همه زبانهای اروپایی و زبانهای دیگری ترجمه شده است در هر کشوری که باشد، به هر جا که دست سرنوشت پرتابش کرده باشد، هر قدر احساس غربت کند، زبان نداند، دوستی نداشته باشد، از زاد بومش دور افتاده باشد، میتواند با ترجیع‌بند آشنای انترناسیونال [نبرد نهایی است این، گرد هم آییم! و فردا انترناسیونال بشریت را گرد هم خواهد آورد!] برای خود دوست و رفیق پیدا کند

امروزه کارگران در همه کشورها سروده شاعر پرولتریشان، سروده رزمند پیشتازشان را بدست گرفته‌اند و آن را به سرود جهانی پرولتاریا مبدل ساخته‌اند. کارگران جهان خاطره اوژن پوتیه را بدینسان گرامی میدارند.

همسر و دختر او هنوز زنده‌اند و در فقر بسر میبرند، همچنان که سراینده انترناسیونال خود در تمام طول عمر بسر برد. اوژن پوتیه روز ۴ اکتبر ۱۸۱۶ در پاریس دنیا آمد. چهارده ساله بود که اولین سرودش، زنده باد آزادی، را سرود. در [انقلاب] ۱۸۴۸ در باریکادهای پیکار کبیر کارگران علیه بورژوازی پیکار کرد.

او در خانواده‌ای فقیر چشم به جهان گشود، و در سراسر عمر مردی فقیر، یک پرولتر، باقی ماند. معاشش را نخست از راه کار بسته‌بندی و سپس کار کپی نقوش بر منسوجات تأمین میکرد.

از سال ۱۸۴۰ بیعد با سرودهای رزمنده‌اش در همه رویدادهای بزرگ حیات فرانسه دخالت کرد. در این سرودها آگاهی را در عقب‌ماندگان بیدار میکرد، کارگران را به اتحاد فرامیخواند، و بورژوازی و دولت‌های بورژوازی فرانسه را گوشمالی میداد.

در ایام کمون کبیر پاریس (۱۸۷۱) پوتیه با ۳,۳۵۲ رأی از مجموع ۳,۶۰۰ رأی به صندوق ریخته شده به عضویت کمون انتخاب شد. پوتیه در تمامی فعالیت‌های کمون، این نخستین حکومت پرولتری، شرکت داشت.

پس از سقوط کمون اجباراً به انگلستان و سپس به آمریکا گریخت. سرود مشهورش انترناسیونال را در ژوئن ۱۸۷۱ سرود - به تعبیری در فردای شکست خونین ماه مه.

کمون در هم کوبیده شد، اما انترناسیونال پوتیه بذر ایده‌های آن را در سراسر جهان پراکند، و امروز نهال آن سرزنده‌تر از همیشه است.

در این شعر زندگی در سال ۱۸۷۶ پوتیه در تبعید شعری سرود با عنوان از کارگران آمریکا به کارگران فرانسه کارگران را زیر یوغ سرمایه، فقرشان را، رنج کمرشکنشان را، استنمارشان را، و ایمان استوارشان به پیروزی راهشان را به تصویر کشید.

نه سالی بیش از شکست کمون نگذشته بود که پوتیه به فرانسه بازگشت، و بیدرنگ به حزب کارگران پیوست. دفتر اول اشعارش در ۱۸۸۴ و دفتر دوم آن، با عنوان سرودهای انقلابی، در سال ۱۸۸۷ به چاپ رسید. برخی سرودهای دیگر این کارگر شاعر پس از مرگش منتشر شد.

روز ۸ نوامبر ۱۸۸۷ کارگران پاریس پیکر بیجان اوژن پوتیه را به گورستان پرلاشز، محل دفن کموناردهای اعدام حمل کردند. پلیس در تلاش برای پایین کشیدن پرچم سرخ، وحشیانه به جمعیت حمله کرد. جمعیت عظیمی در این شده، تشییع جنازه مدنی و غیررسمی شرکت کرده بودند. فریاد «زنده باد پوتیه!» از هر سو بلند بود

پوتیه در فقر مرد. اما یادگاری از خود بجا گذاشت که برآستی از مصنوعات دست بشر پایدارتر است. او یکی از

بزرگترین مروّجین شعری بود. وقتی اولین سرودش را سرود تعداد کارگرن سوسیالیست به چند ده میرسید. سرود تاریخی اوژن پوتیه امروز برای دهها میلیون پرولتر سرودی آشناست.  
لنین، مجموعه آثار، انگلیسی، جلد ۳۶  
نخستین بار در ۳ ژانویه ۱۹۱۳ در پراودا با امضای ن. ل. بچاپ رسید.

\*\*\*\*\*

برخیزید، ای فلکزدگان  
برخیزید، ای در بند گرسنگی اسیران  
خرد در دهانه آتشفشان در غرش است،  
این آتشفشان ناگزیر آخر است،  
!لوح از نقش گذشته پاک کنیم  
مردمان، بردگان، بپا خیزید! بپا خیزید  
زیربنای جهان در تحول است،  
و ما که هیچیم همه چیز خواهیم شد

نبرد نهایی است این،  
!گرد هم آییم  
و فردا  
انترناسیونال  
بشریت را گرد هم خواهد آورد

نه ناجی اعظم و اعلاّی در اندیشه نجات ماست، نه خدایی، نه قیصری، نه جرگه‌ای  
!کارگران! ما خود باید به نجات خویش برخیزیم  
بیایید فرمان رهایی و خوشبختی همگانی صادر کنیم،  
تا دزد گردن به اختیار پیش آورد،  
تا ذهن از سیاهچال رهایی یابد  
در کوره آهنگریمان خود بدمیم،  
و آهن را تا داغ است بکوبیم

نبرد نهایی است این،  
!گرد هم آییم  
و فردا  
انترناسیونال  
بشریت را گرد هم خواهد آورد

دولت سرکوب میکند، و قانون کلاهداری،  
زالوی مالیات خون محنتکشان را میمکد،  
هیچ وظیفه‌ای بر عهده اغنیا نیست،  
حقوق فقرا عبارتی تو خالی بیش نیست،  
بس است دیگر در کنج حبس پوسیدن،  
برابری، قوانین دیگری میخواهد،  
!که حق بدون وظیفه و وظیفه بدون حق را در آن جایی نباشد

نبرد نهایی است این،

گرد هم آییم  
و فردا  
انترناسیونال  
بشریت را گرد هم خواهد آورد

جلال و جبروت سلاطین معادن و راه آهن منظره کراهِت‌باری است،  
چه اینان هیچگاه کاری جز دزدیدن کار ما نکرده‌اند،  
شمش‌های درون خزائن این جماعت حاصل کارهای ماست که ذوب و در هم آمیخته‌اند  
مردم با اعلام فرمان استرداد این اموال،  
چیزی بیش از حق خود مطالبه نمیکنند

نبرد نهایی است این،  
گرد هم آییم  
و فردا  
انترناسیونال  
بشریت را گرد هم خواهد آورد

شاهان ما را به هوی‌های دروغین تخدیر میکنند  
صلح کنیم با خود، جنگ کنیم با جباران  
در ارتش‌ها اعلام اعتصاب کنیم،  
!تفنگ‌ها را رو به بالا بگیریم، صفوفشان را در هم بریزیم  
این آدم‌خواران اگر عزم قهرمان ساختن از ما کنند،  
دیری نخواهد پایید که درمیابند گلوله‌های ما برای ژنرال‌های خودی است

نبرد نهایی است این،  
گرد هم آییم  
و فردا  
انترناسیونال  
بشریت را گرد هم خواهد آورد

ما کارگرانیم، ما برزیگرانیم، ما اردوی عظیم زحمتکشانییم  
کره زمین متعلق به انسانهاست،  
بیکارگان باید جای دیگری بدنیاال مسکن باشند  
سور و سات اینان از گوشت تن ما بر پا است  
اما چون این کرکسان و لاشخوران در روزی از همین روزها ناپدید شوند،  
خورشید جاودانه خواهد درخشید

نبرد نهایی است این،  
گرد هم آییم  
و فردا  
انترناسیونال  
بشریت را گرد هم خواهد آورد